

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۱۰/۰۳  
تاریخ بررسی مقاله: ۹۴/۱۱/۰۴  
تاریخ پذیرش مقاله: ۹۵/۰۱/۲۹  
DOI: 10.22055/jacp.2017.15206.1000

مجله دست‌آوردهای روان‌شناسی بالینی  
دانشگاه شهید چمران اهواز، تابستان ۱۳۹۵  
دوره‌ی دوم، سال ۲، شماره ۲  
ص:ص: ۸۲-۶۷

## پیش‌بینی تعارض‌های زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی، کمال‌گرایی و طرحواره‌های ناسازگار در زوجین

علی پولادی ریشه‌ری<sup>۱\*</sup> و سرور خباز ثابت<sup>۲</sup>

### چکیده

هدف از پژوهش حاضر پیش‌بینی تعارض‌های زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی، کمال‌گرایی و طرحواره‌های ناسازگار در زوجین شهر بوشهر بود. این پژوهش از نوع توصیفی همبستگی می‌باشد. جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر را زوجین شهر بوشهر تشکیل می‌داد. حجم نمونه شامل ۱۰۰ زوج (۱۰۰ نفر زن و ۱۰۰ نفر مرد) بود، که از بین مراجعه‌کنندگان به مراکز مشاوره‌ای شهر بوشهر به‌طور تصادفی انتخاب شدند. ابزارهای جمع‌آوری داده‌ها عبارتند از پرسشنامه‌ی استاندارد تعارض‌های زناشویی، پرسشنامه‌ی استاندارد سبک دلبستگی بزرگسالان، پرسشنامه‌ی کمال‌گرایی مثبت و منفی و پرسشنامه‌ی طرحواره‌های ناسازگار می‌باشد. تحلیل‌های آماری نشان داد که سبک‌های دلبستگی، کمال‌گرایی و طرحواره‌های ناسازگار پیش‌بینی‌کننده‌ی معنی‌داری برای تعارض‌های زناشویی زوجین می‌باشند. ضرایب همبستگی حاصل هم حاکی از این بود که سبک‌های دلبستگی بیشترین سهم را در تعارض‌های زناشویی زوجین داشته است. همچنین بین سبک‌های دلبستگی و تعارض‌های زناشویی زوجین رابطه‌ی معناداری مشاهده شد. علاوه بر آن، مشخص شد که بین کمال‌گرایی و طرحواره‌های ناسازگار با تعارض‌های زناشویی زوجین رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

**کلید واژگان:** تعارض‌های زناشویی، سبک‌های دلبستگی، کمال‌گرایی، طرحواره‌های ناسازگار

۱. استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور بوشهر، بوشهر، ایران (نویسنده مسئول)

alipoladei@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، بوشهر، ایران

## مقدمه

ازدواج گام رسمی برای تشکیل خانواده از تقدس خاصی برخوردار است و به‌عنوان یک پدیده چندبعدی زیستی روانی اجتماعی به آن نگریسته می‌شود. عوامل متعددی مثل داشتن تشابهات در زمینه‌های عقیدتی، رشد عاطفی، طبقه اجتماعی، وضعیت تحصیلی، توافق روابط جنسی، برخورداری از مهارت‌های ارتباطی و تشابه مذهبی را در میزان تعارض‌های زناشویی همسران مؤثر دانسته‌اند. رضایت زناشویی در شکل‌گیری احساسات مثبت و دوست داشتن و توافق در امور خانه‌داری و تربیت فرزندان نقش دارد. پیروان زوج درمانی هیجان‌مدار بر این باورند که مشکلات زوج‌های آشفته در سبک‌های دلبستگی آن‌ها ریشه دارند که باید برای ایجاد پیوند عاطفی امن میان زوج‌ها دوباره بررسی، پردازش و تغییر یابند. پریشانی‌های عاطفی و اختلال‌های رفتاری کودکان، به اتفاق محرومیت مادری عمده‌ترین علت نابسامانی‌های روانی تلقی می‌شوند. دلبستگی، نوعی نظام تعاملی است که در آن از طریق قبول محدودیت‌های قابل قبول، احساس ایمنی ایجاد می‌شود. دلبستگی نوعی انگیزش بنیادین، ذاتی و زیست‌شناختی و فرآیندی اجتناب‌ناپذیر است (فینی و نولر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴).

پیروان زوج درمانی هیجان‌مدار بر این باورند که مشکلات زوج‌های آشفته در سبک‌های دلبستگی آن‌ها ریشه دارند که باید برای ایجاد پیوند عاطفی امن میان زوج‌ها دوباره بررسی و پردازش و تغییر یابند. بازنمایی‌های دلبستگی انتظارات فرد از روابط را شکل می‌دهد و بر رفتار آن‌ها با شریک زندگی‌شان هنگامی که دچار استرس می‌شوند اثر می‌گذارد. این احساس عدم امنیت با رضایت زناشویی اندک همراه است و امکان دارد برخی همسران در چرخه‌ای از تعاملات منفی گرفتار شوند که احساس‌های مزمن نایمنی و نارضایتی را حفظ می‌کنند. همچنین سبک دلبستگی نایمن همسران را در خطر باقی ماندن در یک ازدواج ناخوشایند قرار می‌دهد. نگرانی از ترک شدن و شایستگی عشق هم ممکن است منجر به چنین عملی شود. شرکای زندگی نایمن نه تنها گرایش دارند تا هیجان منفی بیشتری را تجربه کنند بلکه هیجان‌هایشان را در روابط بیشتر از شرکای ایمن سرکوب می‌کنند که این خود منجر به تعارضات بیشتر می‌شود (داویل و برادبری<sup>۲</sup>، ۲۰۰۱).

- 
1. Fenney & Nuller
  2. Davilla & Bradbury

بالبی<sup>۱</sup> (۱۹۸۳) به وضوح پیش‌بینی کرده است که مختل شدن رابطه دلبستگی با ایجاد اضطراب منتشر و بی‌اعتمادی در کودک منجر به اختلالات روان‌شناختی خواهد شد. بالبی می‌گوید زمانی که انسان به دیگران اعتماد داشته باشد و نسبت به پذیرفته شدن از طرف آنان اطمینان داشته باشد، برای کاوش در محیط اشتیاق بیشتری نشان داده، عواطف مثبت‌تری داشته، از عزت نفس بالاتری برخوردار بوده، در حل مسئله پافشاری کرده، ابتکار و پشتکار دارد و به عبارتی از سازگاری اجتماعی و عاطفی بیشتری برخوردار است. در همین مورد او تصریح می‌کند که یک پیوند دلبستگی اختصاصی و قطع نشده با یک شخص خاص، لازمه تحول سالم و غیرمرضی در فرد است و تجربه ایمنی در کودک پایه و زیر بنای کنش‌وری سالم روانی و ذهنی است. در واقع سلامت تحول فرد در دوره حساس زندگی، ایمنی دلبستگی است. وی به اختلال‌ها و ناراحتی‌های کودکانی که در مؤسسات پرورش یافته‌اند توجه کرد. وی دریافت کودکانی که در شیرخوارگاه‌ها و مراکز مراقبت شبانه‌روزی بزرگ می‌شوند، عموماً به برخی از مشکلات عاطفی از جمله ناتوانی در برقراری روابط صمیمانه و دیرپا با دیگران دچار می‌شوند. به نظر بالبی این کودکان قادر به دوست داشتن نیستند، زیرا فرصت برقراری یک دلبستگی محکم را با مادر یا جانشین او در ابتدای زندگی نداشته‌اند. بررسی‌ها نشان داده‌اند، کودکانی که از طرف فرد دلبسته طرد می‌شوند، احساس تنهایی شدید می‌کنند، مضطرب و عصبانی هستند، عزت نفس پایین دارند و بیشتر دچار اختلالات جسمی، پارانویا و افسردگی می‌شوند. یافته‌های خجسته‌مهر، احمدی میلادی و سودانی (۱۳۹۳) در پژوهشی تحت عنوان نقش تعدیل‌کننده تعهد دینی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی ناایمن و صمیمیت زناشویی به این نتیجه رسیدند که بین سبک‌های دلبستگی اجتنابی و اضطرابی با صمیمیت زناشویی، همبستگی مثبت معنادار وجود دارد. همچنین نتایج حاکی از آن بود که تعهد دینی رابطه بین سبک‌های دلبستگی اجتنابی و صمیمیت زناشویی را تعدیل نمی‌کند. کمال‌گرایی یکی از ویژگی‌های شخصیتی است که می‌تواند سازنده و مخرب باشد. همه افراد نیاز دارند تا توانایی بالقوه خود را تا اندازه ممکن شکوفا کنند و به رشدی فراتر از رشد کنونی خود دست یابند. گرایش طبیعی افراد حرکت از مسیر تحقق توانایی بالقوه خودش است. هر چند ممکن است در این راه با برخی موانع محیطی و اجتماعی روبرو شوند. البته رسیدن به کمال و شکوفا

ساختن استعدادها و توانایی‌های نهفته و بالقوه فرد به خودی خود بسیار ارزشمند است (رضوی، ۱۳۷۹). طرحواره‌های اولیه ناسازگار نوعی پردازش شناختی است که می‌تواند واکنش‌های عاطفی افراد در موقعیت‌های مختلف زناشویی را تحت تأثیر قرار دهد. یافته‌های آمینایی، آزادی، گاطع‌زاده و بهشتی مشهدی (۱۳۹۴) نشان می‌دهد حوزه‌های مختلف طرحواره‌های ناسازگار اولیه قادر به پیش‌بینی رضایت زناشویی هستند به طوری که بریدگی و طرد در زوج‌های دانشجو بهترین پیش‌بینی‌کننده نارضایتی زناشویی محسوب می‌شود. یانگ، کلاسکو و ویشر<sup>۱</sup> (۲۰۰۳) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که هم‌پوشانی معناداری بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه و مدل پنج عاملی شخصیت به ویژه روان‌رنجوری وجود دارد. طرحواره‌های ناسازگار اولیه نشانه‌های افسردگی بالا و فراتر از ابعاد شخصیتی مدل پنج عاملی شخصیت را پیش‌بینی می‌کند. سنچاک و لئونارد<sup>۲</sup> (۱۹۹۲) در پژوهشی تحت عنوان سبک‌های دلبستگی و سازگاری زناشویی در زوج‌های تازه ازدواج کرده به این نتیجه رسیدند که زن و شوهر تمایل به جفتی با سبک دلبستگی مشابه دارند. با این حال زوجینی که دارای سبک دلبستگی امن باشند نسبت به زوجینی که هر دو دارای سبک دلبستگی نایمن باشند سازگاری بیشتری دارند. کستل<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۰۷) در پژوهشی تحت عنوان طرحواره‌های ناسازگار اولیه خود تحریفی پیامدها برای درمان به این نتیجه رسیدند که طرح انزوای اجتماعی/ بیگانگی به شدت بیشتر در قسمت‌های خود تحریفی رو به افزایش می‌باشد. نتایج تا حد زیادی در توافق با مفروضات تئوریک نظریه طرحواره هستند. پیامدهای بالینی این یافته‌ها در زمینه درمان طرحواره مورد بحث واقع شد. کیرک‌پاتریک و هازان<sup>۴</sup> (۱۹۹۴) در پژوهشی به نتیجه دست یافتند که سبک‌های دلبستگی زوجین در طول زمان پایدار باقی می‌ماند. صبری، خوشبخت و گلزار (۱۳۹۳) در پژوهشی تحت عنوان رابطه سبک‌های دلبستگی و سازگاری اجتماعی به این نتیجه رسیدند که سبک‌های دلبستگی نایمن دو سوگرا و اجتنابی به طور منفی و معنادار، سازگاری اجتماعی را پیش‌بینی می‌کنند. اسماعیلی و دارابی (۱۳۹۳) در پژوهشی تحت عنوان میزان پیش‌بینی طرحواره‌های ناسازگار اولیه از طریق سبک‌های دلبستگی به این

---

1. Young, Klosko, & Weishaar

2. Senchak & Leonard

3. Castille

4. KirkPatrick & Hazan

نتیجه رسیدند که هر چه سبک دلبستگی ایمن‌تر می‌شود، میزان پیش‌بینی طرحواره‌های ناسازگار اولیه کاهش می‌یابد و همچنین سبک‌های دلبستگی دوسوگرا، بیشترین قابلیت را برای پیش‌بینی طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه دارد. امانی، ثنایی ذاکر، نظری و نامداری (۱۳۹۰) در پژوهشی تحت عنوان بررسی اثربخشی دو رویکرد طرحواره درمانی و دلبستگی درمانی بر سبک‌های دلبستگی در دانشجویان مرحله عقد به این نتیجه رسیدند که روش دلبستگی درمانی در کاهش سبک ناایمن و افزایش سبک ایمن، روش مناسب است که در مشاوره زوج‌های جوان مؤثر است. یوسفی، اعتمادی، احمدی، فاتحی‌زاده و بهرامی (۱۳۸۹) در پژوهشی تحت عنوان مقایسه طرحواره‌های ناسازگار اولیه در همسران مطلقه و عادی به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده طلاق به این نتیجه رسیدند که می‌توان به کمک طرحواره‌های ناسازگار اولیه طلاق را پیش‌بینی نمود. در این پژوهش در پی پاسخگویی به این پرسش هستیم که آیا بین تعارض‌های زناشویی با سبک‌های دلبستگی، کمال‌گرایی و طرحواره‌های ناسازگار در زوجین رابطه وجود دارد.

## روش

### جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری

روش تحقیق از نوع توصیفی-همبستگی می‌باشد. در این تحقیق پیش‌بینی‌کننده‌های تعارض‌های زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی، کمال‌گرایی و طرحواره‌های ناسازگار در زوجین شهر بوشهر مورد بررسی قرار گرفت. جامعه آماری این تحقیق، زوجین شهر بوشهر بودند که بین ۲ تا ۲۵ سال از مدت ازدواج‌شان سپری شده بود. حجم نمونه شامل ۱۰۰ زوج بود که (۱۰۰ نفر زن و ۱۰۰ نفر مرد)، که به مراکز مشاوره شهر بوشهر مراجعه کرده بودند. این افراد به روش تصادفی ساده از بین سایر مراجعین انتخاب شدند. پژوهشگر برای هر زوج دو پرسشنامه در نظر گرفت. بر اساس راهکارهای ارائه شده، پرسشنامه‌ها باید به تنهایی و بدون مشورت دیگری تکمیل می‌شد. اطلاعات جمعیت‌شناختی مثل سن، جنسیت، تحصیلات، شغل، نسبت فامیلی، سابقه کار، تعداد فرزندان و مدت ازدواج است نیز از آزمودنی‌ها پرسیده شد. جهت انجام رعایت حقوق اخلاقی آزمودنی‌ها از آن‌ها خواسته شد تا از ذکر نام و نام‌خانوادگی خودداری کرده و در صورت رضایت در این پژوهش همکاری کنند. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS استفاده شد.

## ابزار پژوهش

پرسشنامه تعارض‌های زناشویی<sup>۱</sup> (MCQ). این پرسشنامه توسط براتی و ثنایی (۱۳۷۵) ساخته شده است و دارای ۴۲ سؤال است (به نقل از بهاری، فاتحی‌زاده، احمدی، مولوی و بهرامی، ۱۳۹۰). بیشترین نمره کل پرسشنامه ۲۱۰ و کمترین نمره ۴۲ است. این پرسشنامه تعارض زوج‌ها را در هفت زمینه می‌سنجد و شدت تعارض زناشویی را برآورد می‌کند که عبارتند از: کاهش همکاری (از جمله سؤالات ۳-۹) کاهش رابطه جنسی (از جمله سؤالات ۴-۱۰) افزایش واکنش‌های هیجانی (از جمله سؤالات ۵-۱۱) افزایش جلب حمایت فرزند (از جمله سؤالات ۷-۱۸) افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود (از جمله سؤالات ۶-۱۲) کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان (از جمله سؤالات ۱-۱۹) جدا کردن امور مالی از یکدیگر (از جمله سؤالات ۲-۸). نمره گذاری این ابزار به این صورت است که برای هر سؤال ۵ گزینه در نظر گرفته شده که به تناسب ۱ تا ۵ نمره به آن‌ها اختصاص داده شده است. حداکثر نمره کل پرسشنامه ۲۱۰ و حداقل آن ۴۲ است. حداکثر نمره هر خرده‌مقیاس مساوی با تعداد سؤال‌های آن خرده‌مقیاس ضربدر ۵ است. در این ابزار نمره بیشتر به معنی تعارض بیشتر و نمره کمتر به معنی رابطه بهتر است آلفای کرونباخ کل پرسشنامه را در یک گروه ۳۲ نفری برابر با ۰/۵۳ و برای ۷ خرده‌مقیاس آن از این قرار بود: کاهش همکاری ۰/۳۰، کاهش رابطه جنسی ۰/۵۰، افزایش واکنش‌های هیجانی ۰/۷۳، افزایش رابطه فردی با اقوام خود ۰/۶۴، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان و دوستان همسر ۰/۶۴، جدا کردن امور مالی از همدیگر ۰/۵۱ و افزایش جلب همکاری فرزند ۰/۶۰. این ابزار ۷ جنبه یا ۷ بعد از تعارضات زناشویی را اندازه می‌گیرد (ثنایی، ۱۳۷۹). براتی (۱۳۷۵) در تحقیق خود برای اعتبار پایایی پرسشنامه تعارضات زناشویی از روش آلفای کرونباخ استفاده کرده که نمرات برای کل پرسشنامه ۰/۵۳ و برای مؤلفه به قرار زیر است: کاهش همکاری ۰/۳۰، کاهش رابطه جنسی ۰/۵۰، افزایش واکنش‌های هیجانی ۰/۷۳، افزایش جلب حمایت فرزند ۰/۶۰، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود ۰/۶۴، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان ۰/۶۵ و جدا کردن امور مالی از یکدیگر ۰/۵۱. پرسشنامه تعارضات زناشویی از روایی

### 1. Marital Conflict Questionnaire

محتوایی خوبی برخوردار است. در مرحله تحلیل مواد آزمون پس از اجرای مقدماتی و محاسبه همبستگی هر سؤال با کل پرسشنامه و مقیاس‌های آن، ۱۳ سؤال از ۵۵ سؤال اولیه حذف شده است

**پرسشنامه سبک دلبستگی بزرگسالان<sup>۱</sup> (AAQ).** این آزمون یک ابزار اندازه‌گیری خود گزارش‌دهی است که توسط هازان و شیور<sup>۲</sup> (۱۹۸۷) ساخته شده است. این آزمون بر پایه این فرض است که مشابهت‌هایی از سبک‌های دلبستگی کودک مراقب را می‌توان در روابط بزرگسالی نیز یافت. این ابزار اندازه‌گیری شامل سه جمله توصیفی از احساسات فرد درباره راحتی و نزدیکی و صمیمیت در روابط است. هر توصیف یکی از سه سبک دلبستگی را نشان می‌دهد. از پاسخ‌دهندگان خواسته می‌شود کاربردپذیری هر یک از توصیف‌ها سه‌گانه را در مورد خودشان روی یک مقیاس لیکرت (۷ درجه‌ای) نشان می‌دهند. هم‌چنین آزمودنی‌ها بایستی یکی از توصیف‌ها را که بهتر از همه احساس آن‌ها در روابط نزدیک و صمیمی توصیف می‌کند انتخاب کنند. قسمت اول این پرسشنامه براساس علامتی که در پاسخنامه خود برای توصیف روی یک مقیاس ۷ درجه‌ای از نوع لیکرت زده است صورت می‌گیرد، به این طریق که به دایره ۱ یعنی «کاملاً مخالفم» نمره صفر، دایره ۲، «تأخیری مخالفم» نمره یک و ... به همین طریق به دایره ۷ یعنی «کاملاً موافقم» نمره ۶ تعلق می‌گیرد. به این صورت مقیاس رتبه‌ای لیکرت با تبدیل به نمرات و استفاده از مقیاس فاصله‌ای در تحلیل‌ها به کار برده می‌شود. با توجه به ۳ توصیفی که بایستی در این بخش مورد قضاوت آزمودنی قرار گیرد ۳ نمره به دست می‌آید که نمره اولین توصیف میزان دلبستگی اجتماعی، دومین توصیف میزان دلبستگی اضطرابی دوسوگرا، و سومین آن‌ها، میزان دلبستگی ایمنی بخش را نشان می‌دهند. در بخش دوم این پرسشنامه به صورت انتخاب اجباری آمده است، آزمودنی بر اساس آن که کدام یک از سه توصیف را در تطابق بیشتر با ویژگی خود بداند تنها یکی از آن‌ها را در پاسخنامه بایستی علامت بزند. بنابراین شماره‌های ۱، ۲ و ۳ به عنوان مقیاس‌های اسمی نمایانگر دلبستگی‌های اجتنابی، اضطرابی دوسوگرا و ایمنی بخش، می‌باشد که به‌طور مجزا در تحلیل‌ها به کار گرفته می‌شود.

1. Adult Attachment Questionnaire
2. Hazan & Shaver

با بررسی میزان همبستگی سه توصیف ذکر شده در روی ۱۰۰ نفر (۵۰ دختر و ۵۰ پسر) دبیرستانی، روایی و اگرچه نوعی روایی سازه به دست آمد که نشان می‌دهد این سه توصیف سه محتوای متفاوت از نظر دل‌بستگی را می‌سنجد چرا که همبستگی دل‌بستگی ایمن با نایمن اجتنابی ۰/۱۰- و با نایمن دوسوگرا ۰/۵۴- همبستگی نایمن اجتنابی و نایمن دوسوگرا ۰/۱۴ یعنی بسیار پایین می‌باشد. ثبات آزمون-آزمون مجدد برابر ۰/۶۰ و بعدی برابر ۰/۷۰ (معادل I پیرسون ۰/۴۰) بوده است (فور و اولسون<sup>۱</sup>، ۱۹۹۳؛ فینی و نولر، ۱۹۹۶ به نقل از پاکدامن، ۱۳۸۳).

در تحقیقی که توسط پاکدامن (۱۳۸۳) بر روی یک نمونه ۱۰۰ نفری (۵۰ دختر و ۵۰ پسر) انجام گرفت اعتبار آن توسط آزمون-آزمون مجدد روی این نمونه به ترتیب برای دل‌بستگی اضطرابی/دوسوگرا، اجتنابی و ایمنی بخش برابر ۰/۷۲، ۰/۵۶ و ۰/۳۷ و میزان آلفای کرونباخ نیز برابر ۰/۷۹- به دست آمد که میزان اعتبار نسبتاً بالایی را نشان می‌دهد.

**پرسشنامه کمال‌گرایی مثبت و منفی<sup>۲</sup> (PANPS).** این مقیاس توسط تری شورت، اوونز، سالد و دیوی<sup>۳</sup> (۱۹۹۵) ساخته شد. این مقیاس، کمال‌گرایی را از نقطه نظر کارکردی و رفتارگرایی مورد سنجش قرار می‌دهد. این مقیاس به منظور تشخیص کمال‌گرایی مثبت و منفی تدوین شده است. مقیاس کمال‌گرایی دو خرده‌مقیاس مثبت و منفی دارد، این دو خرده‌مقیاس دو نوع تقویت‌کننده را ارائه می‌کند که فرد می‌تواند تجربه نماید. در کمال‌گرایی مثبت این اعتقاد وجود دارد که این نوع کمال‌گرایی از تقویت‌کننده‌های مثبت مرتبط با رفتار کمال‌گرایانه پیش‌آیند ناشی شده است. کمال‌گرایی منفی به نظر می‌رسد که مستقیماً با تقویت‌کننده‌های منفی مرتبط باشد. این مقیاس ۴۰ سؤال دارد و هر آزمودنی به سؤالات با یک مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت (کاملاً موافقم، موافقم، نه موافقم نه مخالفم، مخالفم و کاملاً مخالفم) پاسخ دهد. ۲۰ سؤال کمال‌گرایی منفی را مورد سنجش قرار می‌دهد. دامنه نمرات هر آزمودنی در این مقیاس ۲۰ تا ۱۰۰ می‌باشد. نقطه برش این آزمون برای افراد دارای اختلال در خرده‌مقیاس کمال‌گرایی منفی ۶۹ و به بالا است.

تری شورت و همکاران (۱۹۹۵) شواهدی را برای اعتبار افتراقی این مقیاس گزارش کرد. برای مثال نمرات کمال‌گرایی ۸۶ درصد از واریانس گروه دارای اختلال تغذیه را تبیین کرد.

- 
1. Fowers & Olson
  2. Positive and Negative Perfectionism Scale
  3. Terry Short, Owens, Salde, & Dewey



برای بررسی اعتبار، این مقیاس را بر روی چهار گروه ورزشکاران، بیماران مبتلا به اختلال تغذیه، بیماران مبتلا به افسردگی و گروه کنترل اجرا کرد. نتایج نشان داد که ورزشکاران بالاترین نمره را در کمال‌گرایی مثبت کسب کردند در حالی که بیماران مبتلا به اختلال تغذیه بالاترین نمره در کمال‌گرایی منفی به دست آوردند. این محققین بین گروه‌های بالینی و غیربالینی تفاوت معنی‌داری به دست نیاروندند. به‌طور ویژه گروه مبتلا به اختلال تغذیه و بیماران مبتلا به افسردگی سطوح پایین‌تری از کمال‌گرایی مثبت را نشان دادند (تری شورت و همکاران، ۱۹۹۵). بشارت (۱۳۸۳) ضریب همسانی درونی کمال‌گرایی مثبت و منفی به ترتیب ۰/۹۰ و ۰/۸۷ به دست آورد. همچنین ضریب بازآزمایی این پرسشنامه ۰/۸۶ بود.

**پرسشنامه طرحواره ناسازگار یانگ فرم کوتاه**<sup>۱</sup>. این پرسشنامه ابزار خود گزارش‌دهی برای سنجش طرحواره‌هاست. در این پرسشنامه آزمودنی براساس توصیف هر جمله، خودش را در یک مقیاس لیکرت شش درجه‌ای می‌سنجد که از ۱ تا ۶ نمره‌گذاری می‌شوند. سؤالات پرسشنامه‌ها به وسیله طرحواره‌ها دسته‌بندی می‌شوند. این پرسشنامه هم به صورت فرم کوتاه و هم به صورت فرم بلند وجود دارد. فرم بلند آن ۲۰۵ سؤال و ۱۶ طرحواره ناسازگار اولیه را می‌سنجد، فرم کوتاه ۷۵ جمله کوتاه دارد و از پنج سؤالی که در فرم بلند بیشترین بار تحلیل عاملی را داشته است و ۱۵ طرحواره ناسازگار اولیه را می‌سنجد که دو حرفی که پس از چند جمله می‌آید به محقق نشان می‌دهد که این سؤالات مرتبط به کدام طرحواره‌اند با این وجود اسمی از طرحواره یانگ توسط اسمیت، جونز، یانگ و تلچ<sup>۲</sup> (۱۹۹۵)، انجام شد. برای نمره‌گذاری این پرسشنامه باید ابتدا در هر عبارت به ترتیب زیر به نمره‌ها پاسخ دهید: کاملاً در مورد من درست است: نمره ۶، اکثر اوقات در مورد من درست است: نمره ۵، تقریباً در مورد من درست است: نمره ۴، در مورد من بیشتر درست است تا نادرست: نمره ۳، اکثر اوقات در مورد من نادرست است: نمره ۲، کاملاً در مورد من نادرست است: نمره ۱.

والر، میر و هانیان<sup>۳</sup> (۲۰۰۱)، همسانی درونی مقیاس را ۰/۹۶ گزارش دادند. به علاوه همسانی درونی برای تمام خرده‌مقیاس‌ها بالاتر از ۰/۸۰ بود. پایایی بازآزمایی خرده‌مقیاس‌ها هم بین ۰/۵ تا ۰/۸۲ به دست آمد. صدوقی و وفایی (۱۳۸۷)، همسانی درون خرده‌مقیاس‌ها بین ۰/۶۲ تا

1. Maladaptive Schemas Questionnaire
2. Schmidt, Joiner, Young, & Telch
3. Waller, Meyer, & Hanian

۰/۹۰ و نمره کل مقیاس را ۰/۹۴ گزارش کرده‌اند. نتایج این مطالعه نشان داد که برای هر طرحواره ناسازگار اولیه ضریب آلفایی از ۰/۳۸ (طرحواره خود تحول نیافته (گرفتار)، تا ۰/۹۶ (برای طرح واره نقص / شرم) به دست آمد و ضریب باز آزمایی در جمعیت غیربالینی بین ۰/۵۰ تا ۰/۸۲ بود. خرده‌مقیاس‌های اولیه پایانی آزمون- باز آزمون و ثبات درونی بالایی نشان دادند. ذوالفقاری، فاتحی و عابدی (۱۳۸۷)، فرم کوتاه پرسشنامه طرحواره یانگ را روی ۷۰ نفر اجرا کردند. در پژوهش آن‌ها ضریب همسانی درونی پرسشنامه از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۹۴ و برای پنج حوزه به این شرح به دست آمد: بریدگی و طرد ۰/۹۱ خودگردانی و عملکرد مختل ۰/۹۰ محدودیت‌های مختل ۰/۷۳ دیگر جهت‌مندی ۰/۶۷ گوش به زنگی بیش از حد و بازداری ۰/۷۸.

## یافته‌ها

جدول ۱ نتایج مربوط به میانگین و انحراف استاندارد شاخص‌های آماری متغیرهای پژوهش به تفکیک جنسیت را نشان می‌دهد. طبق این داده‌ها، در کمال‌گرایی، طرحواره‌های ناسازگار و تعارض‌های زناشویی بالاترین میانگین در زنان مشاهده شده است. در سبک دلبستگی بالاترین میانگین در مردان مشاهده شده است.

جدول ۱. ویژگی‌های توصیفی پژوهش حاضر

مقیاس	جنسیت	میانگین	انحراف استاندارد	تعداد
کمال‌گرایی	مرد	۱۴۲/۴۰	۱۶/۲۴	۱۰۰
	زن	۱۴۸/۲۹	۱۸/۵۰	۱۰۰
تعارض زناشویی	مرد	۱۴۸/۲۵	۱۷/۵۶	۱۰۰
	زن	۱۴۸/۳۶	۱۷/۶۵	۱۰۰
سبک دلبستگی	مرد	۱۰/۹۶	۳/۱۸	۱۰۰
	زن	۱۰/۷۰	۳/۲۳	۱۰۰
طرحواره‌های ناسازگار	مرد	۱۷۴/۶۰	۲۷/۸۰	۱۰۰
	زن	۱۷۵/۲۶	۲۹/۸۰	۱۰۰

جدول ۲ نتایج ضرایب همبستگی مدل عوامل مؤثر بر تعارض‌های زناشویی زوجین را نشان می‌دهد.

جدول ۲. نتایج ضرایب همبستگی مدل عوامل مؤثر بر تعارض‌های زناشویی زوجین

آماره	ضریب استاندارد نشده		t	سطح معنی‌داری	ضریب همبستگی سهمی (تفکیکی)
	B	$\beta$			
مقدار ثابت	۱۱۰/۵۷۸	۱۴/۲۰۷	۷/۷۸۳	۰/۰۰۱	
سبک‌های دلبستگی	۰/۸۰۰	۰/۳۸۸	۲/۰۶۳	۰/۰۴۰	۰/۲۷
سبک نایمن	۵/۹۹۱	۱/۵۹۲	۳۱/۰۵۰	۰/۰۰۱	۰/۳۴
سبک ایمن	-۰/۴۲۸	۱/۲۱۲	-۰/۳۵۳	۰/۷۲۴	۰/۱۲
سبک دو سوگرا	۱/۷۵۵	۱/۵۳۳	۱/۱۴۵	۰/۲۵۴	۰/۱۸
کمال‌گرایی مثبت	۰/۱۰۵	۰/۰۶۸	۱/۱۰۵	۰/۲۷۵	۰/۱۷
کمال‌گرایی منفی	-۰/۲۲۷	۱/۱۱۹	-۰/۲۷۸	۰/۵۱۵	۰/۰۱
طرحواره‌های ناسازگار	۰/۱۴۵	۰/۰۴۴	۳/۳۳۲	۰/۰۰۱	۰/۲۳

ضرایب بتا نشان می‌دهد که سبک‌های دلبستگی، کمال‌گرایی و طرحواره‌های ناسازگار پیش‌بینی‌کننده معنی‌داری برای تعارض‌های زناشویی زوجین می‌باشد. ضرایب همبستگی سهمی نشان می‌دهد که سبک‌های دلبستگی بیشترین سهم را در تعارض‌های زناشویی زوجین داشته است. جهت بررسی سبک‌های دلبستگی ایمن، نایمن و دو سوگرا، کمال‌گرایی مثبت و منفی و طرحواره‌های ناسازگار پیش‌بینی‌کننده‌های مهم تعارض‌های زناشویی زوجین از تحلیل رگرسیون به روش گام به گام استفاده شده است، نتایج آن در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. نتایج تحلیل رگرسیون تعارض‌های زناشویی

متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین	MR	R <sup>2</sup>	F	B	t	P
تعارض‌های زناشویی	دلبستگی نایمن	۰/۴۰	۰/۱۶	۱۴/۱۳	۰/۴۰	۳/۷۶	۰/۰۰۱
	طرحواره ناسازگار	۰/۴۸	۰/۲۳	۱۱/۱۵	۰/۳۴	۳/۳۴	۰/۰۰۱
	دلبستگی دو سوگرا	۰/۵۲	۰/۲۷	۴/۱۲	۰/۱۳	۲/۰۳	۰/۰۵
	کمال‌گرایی مثبت	۰/۵۴	۰/۲۹	۴/۰۴	۰/۱۱	۲/۰۱	۰/۰۵

نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه به روش گام به گام نشان داد که از بین متغیرهای پیش‌بین سبک دلبستگی نایمن، طرحواره ناسازگار، سبک دلبستگی دوسوگرا و کمال‌گرایی مثبت پیش‌بینی‌کننده‌های قوی و معنی‌دار تعارض‌های زناشویی بودند. ضرایب بتا بیانگر اهمیت هر کدام از متغیرها می‌باشد که از مهم‌ترین متغیرهای پیش‌بینی می‌توان به سبک دلبستگی نایمن با مقدار بتا =  $0/40$  و طرحواره‌های ناسازگار با مقدار بتا =  $0/24$  اشاره کرد. در مجموع این متغیرها ۲۹ درصد واریانس تعارض‌های زناشویی را پیش‌بینی کردند. اما متغیرهای سبک دلبستگی ایمن و کمال‌گرایی منفی از معادله خارج شدند. بنابراین در جمع ترکیب خطی متغیرهای پیش‌بین با تعارض‌های زناشویی معنی‌دار بودند.

### بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به فرضیه تحقیق سبک‌های دلبستگی، کمال‌گرایی و طرحواره‌های ناسازگار قدرت پیش‌بینی‌کنندگی تعارض‌های زناشویی زوجین را دارند. به منظور پاسخگویی به این فرضیه از تحلیل رگرسیون به روش گام به گام استفاده شده است. نتایج نشان داد که مدل عوامل مؤثر بر تعارض‌های زناشویی زوجین معنی‌دار بود ( $F=7/025, p<0/001$ )، مقدار  $R^2$  نشان می‌دهد که این مدل ۱۰ درصد واریانس تعارض‌های زناشویی زوجین را توجیه می‌کند. ضرایب ( $\beta$ ) نشان می‌دهد سبک‌های دلبستگی و طرحواره‌های ناسازگار پیش‌بینی‌کننده معنی‌داری برای تعارض‌های زناشویی زوجین است. ضرایب همبستگی سهمی نشان می‌دهد که سبک‌های دلبستگی بیشترین سهم را در تعارض‌های زناشویی زوجین داشته است. این یافته همسو با یافته‌های امانی و همکاران (۱۳۹۰)، یوسفی و همکاران (۱۳۸۹)، سنچاک و لئونارد (۱۹۹۲) و حسینیان و شریفی‌نیا (۱۳۸۴) می‌باشد. در تبیین این یافته‌ها می‌توان چنین بیان کرد که طرحواره‌های ناسازگار عوامل مهمی هستند که در تمام جنبه‌های زندگی فردی نقش بازی می‌کنند و اهمیت آن‌ها علاوه بر اثرگذاری بر زندگی به نقش دلبستگی در شکل‌گیری آن‌ها نیز بر می‌گردد. طرحواره‌های ناسازگار معمولاً زمانی شکل می‌گیرند که دلبستگی در کودک به خوبی شکل نمی‌گیرد و سبک دلبستگی کودک از دلبستگی ایمن به سمت انواع دلبستگی‌های نایمن از جمله دلبستگی اجتنابی و دلبستگی دوسوگرا پیش می‌رود. دلبستگی‌های نایمن منبع شکل‌گیری بسیاری از انواع طرحواره‌ها هستند و همان‌طور که نظریه‌های دلبستگی و طرحواره پیش‌بینی می‌کنند تأثیر آن‌ها در سراسر زندگی دامن‌گیر فرد هستند. از این رو فرد بر مبنای دلبستگی‌های زیربنای طرحواره‌ها شکل‌گیری تعارضات در زندگی زناشویی

را تحت تأثیر قرار می‌دهند. وقتی فرد زمانی وارد یک رابطه می‌شود که بر اساس فرضیه جذابیت طرحواره‌ای فرد مقابل طرحواره‌های وی را فعال کند. از این رو اولین سنگ بنای عدم رضایت از زندگی و تعارضات زناشویی در همین ابتدای شکل‌گیری رابطه گذاشته می‌شود. هر فردی با سبک دلستگی خاص، نوع خاصی از طرحواره‌های منحصر به فرد خود وارد یک رابطه عاشقانه می‌شود و کاملاً بر اساس آن‌ها در مورد زندگی زناشویی برنامه‌ریزی می‌کند و اگر با سبک دلستگی، طرحواره‌های ناسازگار فرد مقابل در تعارض باشد زندگی زناشویی ناگزیر به عدم رضایت طرفین منجر می‌شود.

کمال‌گرایی یک منبع دائمی استرس است که اغلب اوقات فرد را با احساس ناکامی و شکست باقی می‌گذارد. افراد کمال‌گرا خود را ملزم به بی‌نقص بودن می‌کنند. این انتظار ثابت و مداوم یک منبع استرس محسوب می‌شود و بر شیوه‌های ناسازگارانه مقابله‌ای تأثیر می‌گذارد و کمال‌گرایی با روابط نزدیک و میان فردی مداخله دارد. کمال‌گرایی یک الگوی نابهنجار از رفتارهاست. این الگوی نابهنجار رفتاری می‌تواند منجر به مشکلات زناشویی و عدم رضایت از روابط زناشویی گردد و به یک منبع دائمی استرس تبدیل شود که اغلب اوقات فرد را با احساس ناکامی و شکست باقی می‌گذارد (هویت<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹). در نتیجه فرد کمال‌گرا تعارضات زناشویی بالاتری را از زندگی خود گزارش می‌کند. افراد اجتنابی به این دلیل که به برقراری روابط همدلانه‌گرایش چندانی ندارند از تماس بدنی لذت نمی‌برند، با راهبردهای حل مسئله آشنایی اندکی دارند و از تعهد کمتری در روابط بین فردی برخوردارند. از این رو، در زندگی زناشویی خود احساس ناامنی می‌کنند و با فاصله گرفتن از دیگران از احساس رضامندی بالایی برخوردار نیستند (سیمپسون، رولز و فیلیپس<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱). یکی از خصایص اصلی سبک‌های دوسوگرا این است که آن‌ها به جای پرداختن به نیازهای همسر، بر نگرانی‌های شخصی خودشان تمرکز می‌کنند و این هر دو مورد (بی‌توجهی به نیازهای همسر و تمرکز بر افکار پریشان‌کننده خود) می‌تواند منجر به تعارض‌های اساسی در روابط مشترک شود (فینی، ۲۰۰۲).

افراد ایمن به دلیل باز بودن و ابراز هیجان‌های مثبت و منفی شان و همچنین استفاده مداوم از خودافشایی‌های تسهیل‌کننده، منجر به بیان احساسات و باورها از سوی طرف مقابل می‌شود. همچنین استفاده از مذاکره‌های منطقی و آرام در هنگام تعارضات زوجین به شیوه‌های خاصی باعث ایجاد و گسترش روابط صمیمانه و لذت بخش بین زوجین می‌شود. این در حالی است که افراد

1. Hewitt
2. Simpson, Rholes, & Phillips

ناایمن رفتارهای تهدیدکننده همسر را ردگیری تخریبی (تفسیرهای منفی و یک سویه خود را به شکل زنجیروار ادامه دادن و در هر حلقه پیش‌رونده، قدرت تخریبی آن را بیشتر کردن) می‌کنند. با توجه به این‌که این نوع سبک متضاد با ارزش‌های حاکم بر نهاد خانواده می‌باشد لذا زوجین از این نوع سبک در تعاملات با یکدیگر کمتر استفاده کرده‌اند.

### سپاس‌گزاری

این مقاله برگرفته از رساله کارشناسی ارشد نویسنده دوم می‌باشد. در این جا لازم است از تمامی زوجینی که صادقانه در اجرای پژوهش با ما همکاری کردند تشکر و قدردانی نمایم.

### منابع

#### فارسی

- اسماعیلی، علی و دارابی، افسانه (۱۳۹۳). تعیین میزان پیش‌بینی طرحواره‌های ناسازگار اولیه از طریق سبک‌های دلبستگی. *مجله پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی* ۵(۲)، ۱۵۸-۱۴۳.
- امانی، احمد؛ ثنایی ذاکر، باقر؛ نظری، علی محمد؛ و نامداری، پژمان مهدی (۱۳۹۰). بررسی اثربخشی دو رویکرد طرحواره درمانی و دلبستگی درمانی بر سبک‌های دلبستگی در دانشجویان مرحله عقد. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۱(۲)، ۱۹۱-۱۷۱.
- امینایی، محمد؛ آزادی، محمود؛ گاطع‌زاده، عبدالامیر؛ و بهشتی مشهدی، صابره (۱۳۹۳). پیش‌بینی رضایت‌مندی زناشویی بر مبنای حوزه‌های طرحواره‌های ناسازگار اولیه دانشجویان متأهل دانشگاه‌های شهر مشهد. *مجله دست‌آوردهای روان‌شناسی بالینی* ۱(۳)، ۸۰-۶۷.
- براتی، طاهره (۱۳۷۵). *تأثیر تعارضات زناشویی بر روابط متقابل زن و شوهر*. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره). دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، رودهن.
- بشارت، محمدعلی (۱۳۸۳). بررسی رابطه کمال‌گرایی والدین و اضطراب امتحان دانش‌آموزان، *مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی*، ۳۴(۱)، ۱۹-۱.
- بهراری، فرشاد؛ فاتحی‌زاده، مریم السادات؛ احمدی، سیداحمد؛ مولوی، حسین؛ و بهرامی، فاطمه (۱۳۹۰). تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباط همسران بر کاهش تعارض‌های زناشویی زوج‌های متعارض متقاضی طلاق. *پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره (مطالعات*

- تربیتی و روان‌شناسی)، ۱(۱)، ۷۰-۵۹.
- پاک‌دامن، شهلا (۱۳۸۳). بررسی ارتباط بین دلبستگی و جامعه‌طلبی در نوجوانی. مجله علوم روان‌شناختی، ۳(۹)، ۴۷-۲۵.
- ثنایی، باقر (۱۳۷۹). *مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج*. تهران: انتشارات بعثت.
- حسینیان، سیمین؛ و شریفی‌نیا، اعظم (۱۳۸۴). بررسی آموزش مهارت‌های حل تعارض بر کاهش تعارض‌های زناشویی زنان. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۱(۴)، ۲۲-۷.
- خجسته‌مهر، رضا؛ احمدی میلادی، منیژه؛ و سودانی، منصور (۱۳۹۳). نقش تعدیل‌کننده تعهد دینی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی نایمن و صمیمیت زناشویی. *دوفصلنامه روانشناسی معاصر*، ۹(۱)، ۵۴-۴۳.
- ذوالفقاری مریم، فاتحی‌زاده، مریم‌السادات، و عابدی محمدرضا (۱۳۸۷). تعیین رابطه بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه با ابعاد صمیمیت زناشویی زوجین شهر اصفهان. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۴(۱۵)، ۲۶۱-۲۴۷.
- رضوی، رضا (۱۳۷۹). *مسأله ازدواج در آینه تحقیق*. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران، تهران.
- صبری، مصطفی؛ خوشبخت، فریبا؛ و گلزار، حمیدرضا (۱۳۹۳). رابطه سبک‌های دلبستگی و سازگاری اجتماعی: نقش واسطه‌ای هوش هیجانی. *فصلنامه روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایران*، ۱۱(۴۲)، ۱۹۴-۱۸۱.
- یوسفی، ناصر؛ اعتمادی، عذرا؛ احمدی، سیداحمد؛ فاتحی‌زاده، مریم‌السادات؛ و بهرامی، فاطمه (۱۳۸۹). مقایسه طرحواره‌های ناسازگار اولیه در همسران مطلقه و عادی به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده طلاق. *مجله روانپزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران (اندیشه و رفتار)*، ۱۶(۱)، ۳۳-۲۱.

### لاتین

- Bowlby, J. (1983). *Attachment and loss: Sadness and depression*. New York: Basic Books.
- Castille, K., Prout, M., Marczyk, G., Shmidheiser, M., Yoder S., & Howlett, B. (2007). The early maladaptive schemas of self-mutilators: Implications for therapy. *Journal of Cognitive Psychotherapy*, 21(1), 58-71.

- Davila, J., & Bradbury, T. N. (2001). Attachment insecurity and the distinction between unhappy spouses who do and do not divorce. *Journal of Family Psychology, 15*(3), 371-393.
- Feeney, J. A., & Noller, P. (2004). Attachment and sexuality in relationships. In J. H. Harvey, A. Wenzel, & S. Sprecher (Eds.), *The hand of sexuality in close relationships* (pp. 183-201). Mahwah, NJ: Erlb Associates.
- Feeny, J. A. (2002). Attachment, marital interaction, and relationship satisfaction: A diary study. *Personal Relationships, 9*(1), 39-55.
- Fowers B. J., & Olson, D. H. (1993). Enrich marital satisfaction scale: a brief research and clinical tool. *Journal of Family Psychology, 7*(2), 176-185.
- Hazan, C., & Shaver, P. R. (1987). Romantic Love Conceptualized as an Attachment Process. *Journal of personality and Social Psychology, 52*(3), 511-524.
- Hewitt, P. (2009). *Perfectionism*. Canadian Psychological Association, University of British Columbia.
- Kirkpatrick, L. A., & Hazan, C. (1994). Attachment Styles and Close Relationships: A four-year prospective study. *Personal Relationships, 1*(2), 123-142.
- Schmidt, N. B., Joiner, T. E., Young, J. E., & Telch, M. J. (1995). The schema questionnaire: Investigation of psychometric properties and the hierarchical structure of a measure of maladaptive schemas. *Cognitive Therapy and Research, 19*(3), 295-321.
- Senchak, M., & Leonard, K. E. (1992). Attachment styles and marital adjustment among newlywed couples. *Journal of Social and Personal Relationships, 9*(1), 51-64.
- Simpson, J. A., Rholes, W. S., & Phillips, D. (2011). Conflict in close relationships: an attachment perspective. *Journal of Personality and Social Psychology, 71*(5), 899-914.
- Terry-short, L. A., Owens, R. G., Salde, P. D., & Dewey, M. E. (1995). Positive and negative perfectionism. *Personality and Individual Differences, 18*(5), 663-668.
- Waller, G., Meyer, C., & Hanian, V. (2001). Psychometric properties of the long & short versions of the Young Schema Questionnaire. *Cognitive Therapy and Research, 25*(2), 137-147.
- Young, J. E., Klosko, J. S., & Weishaar, M. E. (2003). *Schema therapy: A practitioner's guide*. New York: Guilford Press.